

نگاهی به تصحیح تمهیدات پس از نیم قرن

تقی پورنامداریان (استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
مینا حفیظی (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

مقدمه

تمهیدات عصاره تفکرات و حاصل دوران پختگی عارفی است که نه به جرم نگارش این اثر که به جرم نگاهته‌های بسی محتاطانه‌تر از آن به دار آویخته و به قولی سوزانده^۱ شد. بسیاری از عبارات تمهیدات عین القضاة همدانی (وفات: ۵۲۵)^۲، آن‌چنان غیر متعارف بود و هنوز هست که نویسنده، در زندان، نگارش آن اثر را کتمان کرد و تمهیدات را در سیاهه آثار خویش نیاورد^۳. حتی، تا سالیان متمادی، کاتبان تمهیدات، در پایان کتاب، عباراتی از قبیل تَمَّتْ «زبده الحقائق» پدید... را می‌آوردند. بدین سان، تمهیدات با نام زبده الحقائق - اثر دیگری از عین القضاة - شناخته می‌شد^۴ حال آنکه زبده الحقائق به زبان عربی تألیف شده و، از همان سطر اول، چنان با تمهیدات و لحن توفانی شطح‌آمیز آن متفاوت است^۵ که نمی‌توان تمهیدات را ترجمه آن دانست^۶. لحن ناشی از نگاه تهوّرآمیز و خلاف عادت نویسنده به شریعت این اثر را استقلال‌بخشیده که در دیگر آثار عین القضاة تا این حدّ نظرگیر نیست.

کلیات

با آنکه از تمهیدات نسخه‌ای همزمان مؤلف یا نزدیک به عصر او ظاهراً بر جای نمانده و

کهن‌ترین نسخه تقریباً کاملی که از آن شناخته شده بیش از یک قرن و نیم با درگذشت عین‌القضاة فاصله دارد^۷، شمار نسخه‌هایی که از آن پس نوشته شده و به دست ما رسیده^۸ حاکی از اقبال اهل تصوف و دیگر علاقه‌مندان به آن است. اگرچه عین‌القضاة، در تمهیدات، واژه شاذ و تعبیر مهجوری به کار نبرده بلکه، به خلاف، سعی او، چنانکه خود نیز اشاره دارد، بر آن بوده که افکار بلند خویش را به ساده‌ترین صورت بیان کند^۹؛ ساخت و بافت زبان، به سبب برداشت‌های تازه او از شریعت و طریقت، چنان است که گاه بر سر «بشود» یا «نشود»، یا کاربرد فعل در وجه ایجابی یا سلبی، کاتب و مصحح و مدرّس در می‌مانند، از این جهت که جمله در هر دو وجه درست می‌نماید یا در هیچ‌کدام درست در نمی‌آید. طرفه آنکه، به مجرد ورود مؤلف به مباحث دشوار عرفانی، تفاوت ضبط نسخه‌ها چندان بالا می‌گیرد که مصحح برای دستیابی به صورت درست، نیازمند بازخوانی فصول پیشین و پسین این اثر و مراجعه به آثار دیگر مؤلف یا آثار متناظر مؤلفان دیگر می‌گردد.

از تصحیح متن تمهیدات به کوشش عقیف عسیران^{۱۰} بیش از نیم قرن^{۱۱} می‌گذرد. عسیران در روزگاری به تصحیح تمهیدات دست یازید که اصول و ضوابط تصحیح انتقادی - دست کم در ایران - هنوز چندان شناخته نبود و امکانات امروزی دسترسی به نسخ خطی از قبیل تهیه اسکن رنگی به جای میکروفیلم همچنین بهره‌جویی از ابزارهای پیشرفته همچون اینترنت وجود نداشت. در چنین شرایطی، عسیران به تصحیح اثری مبادرت کرد که تا آن روز هیچ تصحیحی از آن یا از دیگر آثار مؤلف آن صورت نگرفته بود. از این رو، هر کوششی برای تصحیح مجدد این اثر ناگزیر بر شالوده‌ای که او پی نهاد، خواهد بود. لذا بیان کاستی‌های این تصحیح را در عین توجه به فضل تقدّم مصحح گرانقدر و تقدیر از زحماتش، سودمند و مددکار گام‌های بعدی شناختیم و به این اقدام همت گماشتیم.

نخستین مسئله‌ای که با آن مواجهیم آنکه مصحح در باب روش تصحیح خود سخنی نگفته است. روشن نیست که تصحیح بر پایه نسخه اساس صورت گرفته یا التقاطی است یا قیاسی و یا به روشی دیگر^{۱۲}. از متن نیز نمی‌توان به دریافت دقیقی در این باب رسید؛

هرچند احساس می‌شود که مصحح بیشتر به اقدم نُسخ که اصحُّ نُسخ نیز هست متمایل شده اما در مواردی - که ضرور نمی‌نماید - از این گرایش عدول کرده است. از این رو، چه بسا بتوان روش او را بینابینی و التقاطی شمرد. این شیوه را می‌توان در میزان نوسان نسخه‌بدل‌ها بازشناخت. برای نمونه، در صفحاتی که متن، به زبان عربی است^{۱۳} (ص ۳۳۴-۳۳۵، ۳۳۸)، نسخه‌بدل‌ها محسوساً کاهش یافته است، چنانکه در صفحه ۳۳۴ تنها یک سطر پانویس برای نسخه‌بدل آمده و این در حالی است که، براساس بررسی ما، میزان اختلاف نسخ در بخش‌های عربی متن برابر با بخش فارسی و گاه حتی بیشتر است. در جاهایی نیز، مصحح به تصحیح ذوقی گرایش یافته است، از این جهت که عبارات نسخه‌های متأخر را، که، بر اثر فاصله گرفتن از زمان تألیف و تحولات زبانی، طبعاً مانوس‌تر احساس می‌شوند، به جای ضبط مهجورتر نسخه اساس که اقدم نسخ نیز هست، نشانده است. نتیجه آنکه متن در تصحیح، صیقلی‌تر و گاه حتی به مذاق اهل فن خوشتر از متن نسخه اساس به نظر می‌آید. مصحح، در همین جهت، جملات الحاقی نسخه‌های متأخر را که غالباً برای توضیح دشواری‌های متن افزوده شده‌اند، به متن راه داده که أحياناً متن را روان‌تر ساخته است.

نکته دیگر آنکه مصحح خود را از توجه به خویشاوندی نسخه‌ها و دسته‌بندی آنها معاف داشته است. نسخه‌های تمهیدات را دست کم در دو خانواده یا گروه می‌توان جای داد. تفاوت این دو خانواده به‌ویژه در نسخه‌های کهن‌تر آشکارتر است. در تصحیح عسیران، آمیزه ناسازی از هر دو خانواده آمده است، چنانکه گاه جمله‌ای به خانواده‌ای و جمله پس از آن به خانواده‌ای دیگر تعلق دارد. ضمناً در پراکندگی افتادگی‌های نسخه اساس از نسخه‌هایی استفاده شده که خویشاوند آن نیستند.

برخی از اشکالات نیز بر اثر بدخوانی یا بی‌توجهی به خانواده نسخه‌ها پدید آمده است. اشکالات ناشی‌اند از ناآشنائی مصحح با خط کاتب؛ پذیرش تغییراتی که کاتبان در مقابله نسخه با نسخه‌های غیر خویشاوند داده‌اند، اعم از آنچه با خط ترقین^{۱۴} از متن حذف شده و آنچه در حاشیه نسخه افزوده شده است^{۱۵} و ورود این تغییرات به تصحیح؛ کاربرد نادرست علائم سجاوندی و حرکات که به کرات روی داده است، مثلاً

افزودن نابجای نشانه اضافه یا در حالاتی نیفزودن آن که معنای جمله را تغییر داده است. معایبی نیز بر اثر استفاده از نسخه‌های مغلوط پدید آمده از جمله کلماتی مصحّف و محرّف به متن مصحّح راه یافته است. در حالاتی نیز، افتادگی یا افزودگی کلمه یا حرفی ضبط را مخدوش کرده و به‌ویژه در اشعار وزن عروضی را مختل ساخته است. در این مقاله به رعایت اختصار، به شواهد برخی از اشکالات بسنده شده و از ذکر خطاهایی که در علائم سجاوندی رخ داده صرف نظر شده است. در نقل قول‌های مستقیمی که از متن صورت گرفته علائم سجاوندی و رسم الخط (حتی در پی‌نوشت‌ها)، مطابق متن چاپ شده تمهیدات است. اشکالات نیز در چند گروه دسته‌بندی شده‌اند.

اشکالات در مفاهیم عرفانی

لا اله عالم عبودیت است و فطرت و الا لله عالم الهیت است و ولایت عزّت. دریغ! روش سالکان در دور لا اله باشد... لا دایره نفی است اول قدم، در این دایره باید نهاد: لیکن متوقّف و ساکن نباید شد که اگر در این مقام سالک را سکون و توقّف افتد، زُنا و شرک روی نماید. از لا اله چه خبر دارد! (ش ۱۰۲، سطر ۱)

عین القضاة می‌گوید سالک نباید در لا اله متوقّف شود که در این صورت دچار شرک می‌گردد. سالکی که در لا اله متوقّف شود - قاعدتاً باید گفت - از الا لله چه خبر دارد؟ نه «از لا اله چه خبر دارد؟». جز نسخه اساس، در همه نسخه‌های دیگر عسیران همچنین نسخه‌هایی که ما علاوه بر آنها دیده‌ایم، الا لله آمده است. ضبط نسخه اساس نادرست است و به جای آن می‌بایست از نسخه‌های دیگری استفاده می‌شد.

اول وصیت که پیر مرید را کند آن است که گوید: واقعه خود بکسی مگو. پس هرچه فرایش مرید آید باید که آن را احتمال [= تحمّل] کند و آن را خود از مصلحت در راه پیر نهاده باشد تا مرید را عجبی نیاید. (ش ۴۶، سطر ۸)

پیدا است که ضبط درست «در راه مرید» است نه «در راه پیر» چرا که این پیر است که، برای تربیت مرید «از روی مصلحت» مشکلاتی در راه مرید می‌نهد تا او را عجبی نیاید. سبب این

اشتباه آن است که در نسخه اساس، کلمه «مرید» پاک شده است و کسانی واژه «پیر» را به خطی کاملاً متمایز از خط نسخه، در محل پاک شدگی، افزوده‌اند و این در حالی است که نسخه‌های دیگر عسیران به اضافه نسخه‌هایی که ما دیده‌ایم، همه «مرید» آورده‌اند.

تصحیف و تحریف

«تا ملک شناسی و واپس نگذاری، به ملکوت نرسی و، اگر ملکوت را شناسی و واپس

بگذاری به جبروت نرسی. (ش ۸۲، سطر ۲)

عسیران در پانوشت آورده است که نسخه‌های او از A تا U «واپس نگذاری» آورده‌اند و تنها نسخه R (سن پترزبورگ، ۸۸۴ق) است که «بگذاری» آورده است. ضبط درست «واپس نگذاری» است به قرینه «تا ملک شناسی و واپس نگذاری».

ای عزیز، مصطفی... در جایی دیگر گفت: أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ... طلب باید کردن اگر خود به چین و ماچین باید رفتن. این علم ص بحریست بمکه که كَانَ عَلَيهِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ إِذْ لَا لَيْلَ وَلَا نَهَارَ وَلَا أَرْضَ وَلَا سَمَاءَ. علم صین علم ص و القرآن ذی الذکر است. قرآن ارض آمد. (ش ۸۸، سطر ۱۵)

آنچه نقل شد نخستین عبارات تمهید پنجم است که، در آن، عین القضاة با تفسیر حرف «ص» در سوره ص آغاز کرده و، در ادامه نیز، بدان بازگشته است^{۱۶}. عبارت «قرآن ارض به مکه آمد» جدا از آنکه اشکال نحوی دارد، از نظر معنایی نیز گنگ و مبهم است. عسیران در پانوشت آورده که این ضبط در همه نسخه‌های او از A تا U وجود دارد، حال آنکه در نسخه اساس او (M) و نسخه پاریس (P) و نیز نسخه‌هایی که ما دیده‌ایم از جمله نسخه مرعشی، صورت‌های دیگری آمده است. در نسخه اساس، «قرآن از ص به مکه آمد» ذکر شده است. بدین قرار، آشکار می‌گردد که «ارض» مصحّف «ازص» است یعنی نقطه «ز» در «از» به بالای «ص» رفته است. در بالاتر، مکه را مکه «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نوري» خوانده یعنی مکه قبل از خلق عالم جسم، مکه نور محمدی و علم صین، که عین القضاة ص را اشاره بدان می‌داند، علم لدنی و وخیانی است که به نور محمدی یا حقیقت محمدی اعطا شد. در هر فعل و حرکتی در راه حج سزی و حقیقتی باشد؛ اما کسی که بینا نباشد خود نداند.

طواف کعبه و سعی و خَلق و تجرید و رمی حجر و احرام و احلال و قارن و مفرد و ممتنع در همه احوال هاست. (ش ۱۳۵، سطر ۷)

روشن است که ضبط «ممتنع» نادرست و ضبط درست آن ممتنع است و «قارن» و «مفرد» و «ممتنع» در کنار هم به حج «قران» و «افراد» و «تمتع» اشاره دارند. ضبط نسخه اساس و بسیاری از نسخه‌ها نیز «ممتنع» است.

هرکه عاشق نیست خودبین و پرکین باشد و خودرأی بود؛ عاشقی بی خودی و بی راهی باشد. (ش ۱۴۰، سطر ۱۵-۱۶)

در نسخه اساس و دیگر نسخه‌ها به جای «بی‌راهی»، «بی‌زایی» آمده که سیاق جمله مؤید درستی آن است به قرینه «هرکه عاشق نیست خودبین و پرکین باشد و خودرأی بود».

اگر عشق حیلۀ تمثّل نداشتهی همه روندگان راه کافر شدند؛ از بهر آنکه هر چیزی که او را در اوقات بسیار بر یک شکل و بر یک حالت ببیند، از دیدن آن وقت او را وقت ملامت آید اما چون هر لحظه و هر روزی در جمالی زیادت و شکلی افزون‌تر ببیند عشق زیادت شود و ارادت دیدن مشتاق زیادت‌تر. (ش ۱۷۳، سطر ۹)

جدا از آنکه در نسخه اساس و بسیاری از نسخه‌ها «ملاّت» آمده است، سیاق جمله به گونه‌ای است که بدون دیدن نسخه و تنها با مراجعه به متن نیز می‌توان دریافت که اگر عشق هر لحظه به رنگی در نمی‌آمد سبب ملاّت می‌شد نه ملامت. با توجه به اینکه در این مورد عسّیران در پاورقی به نسخه‌ای که در آن ملاّت بوده باشد، اشاره‌ای نکرده است به نظر می‌رسد که این اشتباه تایپی است. نکته دیگر در همین جمله اصطلاح وقت و وقت به معنی گاه‌گاه است که در نسخه اساس و مابقی نسخه‌ها آمده و در اینجا ضبط دیگری به جای آن برگزیده شده که نه تنها فصاحت جمله را از بین برده که آن را مبهم نیز ساخته است. از سوی دیگر، در طول زمان در عبارات نسخه اساس تغییرات دیگری نیز چون تبدیل «زیادت‌تر» به «زیادتر» رخ داده است. به هر روی، در نسخه اساس آمده است: «گر عشق حیلۀ تمثّل نداشتهی، همه روندگان راه کافر شدند؛ از بهر آنکه هر چیزی که او را در اوقات بسیار بر یک شکل و بر یک حالت ببیند، از دیدن آن، وقت و وقت ملاّت آید؛ اما چون هر لحظه و یا هر روزی در جمالی زیادت و شکلی افزون‌تر ببیند، عشق زیادت شود، و ارادت دیدن مشتاق زیادت‌تر».

دانی که این آفتاب چیست؟ نور محمدی باشد که از مشرق ازلی بیرون آید؛ ماهتاب دانی که کدام است؟ نور سیاه عزرایلی که از مغرب ابدی بیرون رود. (ش ۱۷۵، سطر ۹-۱۰)

عزراییل در متن تمهیدات هیچ نقشی ندارد بلکه تمهیدات جولانگاه ابلیس یا به عبارت دیگر «عزایل» است که پس از رانده شدن از درگاه الهی، ابلیس خوانده شد؛ نور سیاه نیز خاص ابلیس است و به عزراییل ربطی ندارد. دو نسخه از نسخه بدل‌هایی که عُسَیران در پاورقی داده (H و R) «عزایل» را تأیید کرده‌اند. جا داشت که ضبط نادرست «عزایل» به «عزایل» تبدیل می‌شد.

دریغ! کمترین مقامی که مرد از قرآن آگاه شود آن باشد که به آخرت رسد... ای عزیز هدایت قرآن مردان را آن باشد که این حروف مقطّع با ایشان حدیث کند و جمال خود بر دیده ایشان عرض دهد... (ش ۲۳۴، س ۵، [ص ۱۷۷])

جدا از اینکه نسخه اساس و نسخه‌های دیگر «بدایت» آورده‌اند، سیاق جمله نیز بدایت را تأیید می‌کند؛ چراکه عین القضاة در همان آغاز از کمترین مقام مردان (= سالکان راه حق) سخن می‌گوید. در عبارت نسخه اساس حرف اضافه «را» نیز نیامده است (نسخه اساس: ای عزیز بدایت قرآن مردان آن باشد که...).

... اما باید که دانی که تابع در حکم متبوع نباشد یعنی قطره‌ای در دریا خود را دریا تواند خواندن. (ش ۴۴۳، سطر ۱۲)

فعل منفی «نباشد» در این جمله نادرست است؛ زیرا اگر تابع در حکم متبوع نباشد، چگونه قطره خود را دریا بخواند؟! در نسخه اساس نیز فعل به صورت مثبت، «باشد»، آمده است.^{۱۷}

تبدیل ضبط مهجور به ضبط آشنا

اگر دانستی که ایشان را سمع باید دادن، خود داده شدی. (ش ۲۲۵، سطر ۹)

ضبط درست بر طبق نسخه اساس (M) و نسخه‌های دیگر مصحح (USPHA) «اگر دانستمانی که ایشان را سمع باید دادن، خود داده بودمانی» است که او به جای صیغه‌های مهجور «دانستمانی» و «بودمانی» صیغه‌های آشنای «دانستی» و «داده شدی» را نشانده است.^{۱۸} فعل «دانستمانی» نمونه‌ای از صورت پهلوی / پارتی صرف فعل است که بیشتر در جملات شرطی به کار

می‌رفته است.^{۱۹} حقوقی در باب نحوه کاربرد این فعل در نثر ابوالفتوح رازی آورده است: «در آخر فعل‌هایی که بهیئت مزبور ساخته شده‌اند یاء تمنی و تزجی و یاء شرطی و یاء استمراری آورده چون کاشکی بمردمانی و اگر دانستمانی و بآن خیر برسیدمانی» (ج ۱، ص ۱۵۶). حقوقی سپس مثال‌هایی از تفسیر ابوالفتوح برای هریک از این انواع آورده است، از جمله: «گفتند اگر دانستمانی که کارزار خواهد بودن نرفتمانی» (ج ۱، ص ۱۵۷). رواقی نیز در مقاله‌ای که به تفصیل در باب این نوع از صرف فعل نوشته (ص ۳۸۸-۳۸۹) شواهدی از آن در جملات شرطی از متون کهن چون ترجمه تاریخ طبری، تاریخ بلعمی، شرح تعرف و... آورده است؛ از جمله آنهاست این شاهد که از داراب‌نامه بیغمی (ج ۲، ص ۱۶۵) نقل شده و در آن -همچون مورد پیشین که از تفسیر ابوالفتوح نقل شد- فعل با فعل جمله‌ای که در تمهیدات آمده است، مطابقت دارد: «اگر دانستمانی که آن دختر به کجاست به طلب بفرستادمی». رواقی برخی از وجوه غیر شرطی این فعل را نیز از متون کهن استخراج کرده است. (ص ۳۸۹-۳۹۰)

دریغا دیگر باره سخن از سر می‌باید گرفتن. (ش ۴۵۸، سطر ۱۱)

این جمله در نسخه اساس (M) و دو نسخه دیگر عسیران (SA) به صورت: «دریغا دگر باره سخن را با سر می‌باید گرفتن» آمده که، بنابر اصل «اختیار ضبط مهجور و ترجیح آن بر ضبط آشنا» در تصحیح متون قدیم، ضبط موثق و معتبر است. «با سر گرفتن» به معنای «از سر گرفتن» بارها در متون کهن و حتی در متونی که نگارش آنها به قرن نهم می‌رسد به کار رفته است. در ذیل، به ترتیب قدمت، نمونه‌هایی از این متون آمده است:

روض الجنان ابوالفتوح رازی: «گفتند چرا فاتحه را بسم الله نگفتی؟ برخیز نماز با سر گیر! برخاست نماز با سر گرفت» (ج ۱، ص ۴۸؛ برای نمونه‌های مشابه - ج ۱، ص ۲۰۸، ۲۰۵؛ ج ۵، ص ۸۲؛ ج ۱۸، ص ۴ و جاهای دیگر).

النهایه شیخ طوسی (ترجمه فارسی): «اگر کسی نماز تنها بکرده باشد و پس جماعت دریابد روا بود وی را که همان نماز با سر گیرد» (ج ۱، ص ۱۲۸؛ برای نمونه‌های مشابه - ج ۱، ص ۵۸، ۷۵، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۶۰، ۲۴۸ و جاهای دیگر؛ ج ۲، ص ۴۶۰، ۵۸۴ و جاهای دیگر).

عبرالعاشقین روزبهان بقلی: «عاشق حق طلب حق در عبودیت کند... متابعت سید عاشقان

صلوات الله و سلامه علیه پیش گیرد در طریق خدای تعالی. از اینجا کار عشق با سر گیرد». (ص ۱۰۰)
بحر الفوائد: «آفریدگار عالم این هفت ستاره است... و این هفت صانع اند. و هفت دور است. چون این دور به سر می آید، دیگر باره دور با سر گیرند». (ص ۳۴۴)

مصیبت نامه عطار: «چون رسیدم بعد از آن با جای خویش راه با سر گیریم از سودای خویش»
(ص ۲۰۷)

مختصر نافع محقق حلی (ترجمه فارسی): «اگر مخالف زکات به فریق خود دهد بعد از آن با حق گردد باید که زکات را دیگر باره با سر گیرد». (مختصر نافع، ص ۷۴ ← ص ۸، ۱۰، ۲۲، ۴۶، ۴۹، ۱۱۷، ۲۵۵، ۲۵۶ و جاهای دیگر)

تاریخ قم (ترجمه فارسی حسن بن علی قمی): «هر دو گروه قسط و نصیب خود از آب در هر ماهی به دو دفعه فرا می گرفتند... بعد از ایشان اهل تیمره و انار ده روز تصرف کند و بدین ترتیب در پانزده روز آخر نوبت با سر گیرند». (ص ۴۹)

اشکالات در حوزه علوم قرآنی

كذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ يُلْ تَقْدِفُ بِالْحَقِّ ۲۰ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ (ش ۲۰، سطر ۱۰).
این عبارت شامل دو آیه از دو سوره (الزّعد: ۱۷:۱۳؛ الأنبياء: ۱۸:۲۱) است که عین القضاة در استشهاد آنها را پشت سر هم آورده است. نظایر آن را در جاهای دیگری از تمهیدات می توان یافت.^{۲۱}

در تصحیح عسیران، نه تنها این دو آیه در متن بدون هیچ تفکیکی کنار هم آمده و یک آیه را تشکیل داده اند که در پانوشت نیز تنها نشانی آیه سوره رعد، داده شده است.

«و اگر از اجل و عمر مسمی پدید کرده چیزی مانده باشد» (ش ۲۰۷، سطر ۵)

اجل مسمی از اصطلاحات قرآنی است و در سوره های متعدّد از جمله در الأنعام: ۲:۶ آمده است. در برخی از نسخه های ما و نیز در نسخه U که در اختیار عسیران بوده، جمله بدین صورت است: «و اگر از اجل مسمی و عمر پدید کرده چیزی مانده باشد» که ضبط ارجح به نظر می رسد.

دریغاً! بر راه سالک مقامی باشد که چون بدان مقام رسد بداند که همه قرآن در نقطه بایسم الله

است، یا در نقطه میم بسم الله است. (ش ۲۲۸، سطر ۱)
در نسخه ایاصوفیه (۸۶۷ق)، که در اختیار عسیران نیز بوده، عبارت به صورت: «... همه قرآن در بابت بسم الله است و با در نقطه بسم الله» آمده است. در این نسخه و نسخه‌هایی دیگر از جمله نسخه علی پاشای استانبول (۷۳۲ق) و قونیه (۸۹۴ق)، و نیز در دو نسخه سن پترزبورگ (۸۸۴ق) و کتابخانه ملی که در اختیار عسیران بوده عبارت «یا در نقطه میم بسم الله» وجود ندارد مضافاً اینکه حرف میم نقطه ندارد.

نورهم یسعی بین ایدیهیم و بایمانیهیم این دو نور باشد که نور علی نور بیانی مجمل باشد؛ اما تفصیلش، ذوالنورین باشد. (ش ۴۲۲، س ۲ [ص ۳۲۳])
آیه عبارت بالا بخشی از آیه ۸ سوره التحريم است که، در آن، از اختلاف میان پیامبر و همسران ایشان یاد شده است و ربطی به موضوع بحث عین القضاة ندارد. در نسخه اساس و بسیاری از نسخه‌های دیگر از جمله نسخه پاریس (۸۷۷ق) و نسخه دانشگاه تهران (۸۷۴ق) که عسیران نیز در اختیار داشته و نسخه علی پاشای استانبول (۷۳۲ق) که در اختیار ماست، نقل به صورت «یسعی نورهم بین ایدیهیم و بایمانیهیم» با جابه‌جایی «یسعی» و «نورهم» آمده که بخشی از آیه ۱۲ سوره الحديد از سوره‌های طرف توجه عرفا و متکلمین است.

اشکالات عروضی

آن را که دلیل ره چون مه نیست (ش ۴۱، سطر ۸)
که، در آن، وزن مختل است و صورت درست مصرع در نسخه اساس و نسخه‌های دیگر چنین است: «آن را که دلیل ره چون مه نیست».

در عشق حدیث آدم و حوا نیست ای هر که ز آدمست او از ما نیست
ما را گویند کین سخن زیبا نیست خورشید نامحرمست کس بینا نیست
(ش ۸۷، سطر ۶-۹)

که، در آن، وزن مختل و کسره «کس» بی محل است. مصحح «به نقل از نسخه اساس و چند نسخه دیگر»، در پانوشت به جای «نامحرمست»، «بتافت لیک» آورده در حالی که نسخه اساس (M) و

نسخه‌های A و U چنین ضبطی ندارند. ضبط نسخه‌ی اساس بدین صورت است: «خورشید نه مجرم است کس بینا نیست» که هم از جهت وزن درست است و هم معنای مُحَصَّل دارد.

شور و شر و کفر و توحید و یقین در گوشه‌ی دیده‌های خون‌خواره‌ی ماست
(ش ۱۳۴، س ۵ [ص ۹۵])
وزن مصراع اول این بیت یک هجای بلند و یک هجای کوتاه (U) کم دارد. به گفته‌ی عُسَیْران در پانویشت، بیت از نسخه‌ی R نقل شده است. در نسخه‌های دیگر او از A تا U مصراع اول بیت به صورت «شور و شر و شرک و کفر و توحید و یقین» آمده است که معلوم می‌دارد «شرک و» در ضبط عُسَیْران افتاده و وزن را مختل ساخته است.

آن راه که من آمدم کدامست ای جان (ش ۱۵۷، س ۴ [ص ۱۱۱])
در این مصراع، وزن مختل است.
در نسخه‌ی اساس، به خلاف آنچه عُسَیْران در پانویشت آورده، به جای «راه»، «زه» آمده که، با آن، وزن درست می‌شود.

تا من به میان خلق باشم با تو تنها ز همه خلق من و تنها با تو
(ش ۱۸۲، س ۶ [ص ۱۳۱])
در مصراع دوم وزن مختل است. در نسخه‌ی اساس، که عُسَیْران در پانویشت آن را نیز نقل کرده و چند نسخه‌ی دیگر ضبط چنین است: «تنها ز همه خلق من و تنها تو» (بدون «با») که وزن آن درست است.

ناآشنایی با خط کاتب

ای عزیز آشنایی درون را اسباب است و پختگی او را اوقات است و پختگی میوه را اوقات است؛ کلی آن است که آشنایی درون چنان پدید آید به روزگار که... (ش ۳۹، سطر ۶)
آنچه مصحح آن را «کلی» خوانده، در نسخه‌ی اساس بدون تشدید آمده است. کاتب «یکی» را شبیه «کلی» نوشته و این شیوه‌ی نگارش، در نسخه، چند بار تکرار شده است. ضبط صحیح «یکی آن است» می‌شود.

پس چون منت آمد بعثت محمد مؤمنان را پس کافران را از آن چه شود. (ش ۲۴۳، سطر ۶)

ضبط نسخه اساس و بسیاری از نسخه‌ها، به جای «شود»، «سود» است. آنچه باعث این اشتباه شده ضمه‌ای است که کاتب نسخه اساس بر روی «س» در کلمه «سود» گذاشته و این ضمه «سه نقطه شین» خوانده شده است. به سیاق عبارت نیز «سود» مناسب است. به خصوص که عین القضاة در ادامه همین عبارت، آورده است: «بوجهل و بولهب از آیت و ما ارسلناک... چه سود یافتند؟» که با «پس کافران را از آن چه سود؟» مطابقت دارد.

دسترسی نداشتن مصحح به نسخه‌های درست

چه گویی شاهد بی زلف زیبایی دارد؟ اگر شاهد بی خد و خال و زلف صورت بندد رونده بدان مقام رسد که دو حالت بود و دو نور فرا پیش آید که عبارت از آن یکی خال است و یکی زلف و یکی نور مصطفی است و دیگر نور ابلیس و تا ابد با این دو مقام سالک را کار است. (ش ۴۳، سطر ۳)

چگونه ممکن است شاهد «بی خال و زلف» باشد و رونده (سالک) به دو نور مربوط به خال و زلف رسد که وجود ندارند. عین القضاة خود در چند سطر بالاتر (ش ۴۲، سطر ۸-۱۰) می‌گوید: «خد جمال لاله الله بی خال محمد رسول الله هرگز کمال نداشتی و خود متصور نبودی». در سه نسخه LKH^{۲۲} که دو نسخه از آنها در کتابخانه مزار مولانا در قونیه محفوظ است، به جای «اگر»، «هرگز» و به جای «صورت بندد»، «صورت نبندد» آمده است و ضبط درست چنین است: «هرگز شاهد بی خد و خال و زلف صورت نبندد. پس رونده، چون بدان مقام رسد، او را دو حالت بود و دو نور پیش آید...».

پی‌نوشت

- ۱) صاحب هفت اقلیم در این باب آورده است: «از در مدرسه‌ای که درس می‌گفت از حلقش آویختند و بعد از آن جسدش را سوخته به باد دادند». (امین احمد رازی، ج ۲، ص ۵۳۳)
- ۲) عین القضاة در شب چهارشنبه ششم جمادی الآخر سال ۵۲۵ به دار آویخته شد. (در این باره مایل هروی، ص ۳۸؛ علی‌نقی منزوی، ج ۳، ص ۲۵)
- ۳) عین القضاة، دفاعیات، ص ۷۵-۷۶.
- ۴) نخستین مؤلفی که از تمهیدات با همین عنوان یاد کرده کمال‌الدین حسین گازرگاهی در مجالس العشاق (ص ۹۶) است که در اوایل قرن دهم (۹۰۸ق) تألیف شده است. اما اینکه این اثر از چه زمانی بدین نام شناخته می‌شده به درستی روشن نیست.
- ۵) جدا از لحن این دو اثر، تفاوت را می‌توان در فصل‌بندی دو کتاب نیز ملاحظه کرد. عین القضاة،

در مقدمه زبدة الحقایق (ص ۱)، تصریح می‌کند که کتاب را در صد فصل تدوین کرده حال آنکه تمهیدات در ده فصل (تمهید) نوشته شده است. دیگر آنکه زبدة الحقایق کتاب کم‌حجمی است و فصول آن بسیار کوتاهند در حالی که تمهیدات نسبتاً به تفصیل ساخته و پرداخته شده است.

۶) در باب نظر کسانی که به خطا تمهیدات را ترجمه زبدة الحقایق دانسته‌اند (← عسیران، ص ۱۵)
۷) منظور نسخه مغنيسا گنل (۶۹۷ق) است که اساس کار عسیران نیز در تصحیح بوده است.
۸) درباره نسخه‌های تمهیدات (← فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)).

۹) عین القضاة در تمهیدات می‌گوید: «دریغاً! کلمات مغلوبان آن جهانی را با لوح و قلم کودکان می‌آورده‌ایم» (ش ۳۱۸) [در تمهیدات به کوشش عسیران «مقلوبات جهانی» آمده است. عبارت «مقلوبات جهانی» که در متن مصحح عسیران آمده است در نسخه اساس و نسخه‌های قدیم‌تر «مغلوبان جهانی» و در نسخه‌های متأخر مغلوبان / مقلوبات جهانی آمده و در نسخه ملّت گنل استانبول که از آن نقل شد، به صورت «مغلوبان آن جهانی» ضبط شده است.]. همو در دفاعیات آورده است: «این رشته از دانش [= علوم ادبی]، اگرچه با سرشت آدمیان پیوند دارد و به گوش‌ها سبک و خوشایند می‌رسد، ولی من به هنگام بلوغ از آن مفارقت گزیدم و بدرودش گفتم به طلب علوم دینی روی آوردم، برای صوفی چه زشت است که از چیزی روی گرداند و بعد به آن بازگردد». (ص ۳۳)

۱۰) عقیف عسیران (۱۹۱۹-۴ آوریل ۱۹۸۸)، کشیش لبنانی تبار دانش‌آموخته دانشگاه تهران که با تصحیح تمهیدات عین القضاة همدانی در رشته ادبیات و فلسفه دکتری گرفت. او همچنین آثار دیگر عین القضاة چون زبدة الحقایق، شکوی الغرب، و نامه‌ها را تصحیح کرد. در تصحیح نامه‌های عین القضاة همدانی، علینقی منزوی نیز با وی همکاری داشت. منزوی، پس از درگذشت عسیران، تصحیح نیمه‌کاره نامه‌ها را به پایان رساند و مجلد سوم آن را منتشر ساخت. از فعالیت‌های اجتماعی عسیران تأسیس مؤسسه خیریه‌ای با نام «بیت العنایة» در بیروت است.

۱۱) متن تمهیدات به تصحیح عسیران در سال ۱۳۴۱ ش، به همت انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

۱۲) در مقدمه عسیران، بخش «راهنمایی برای استفاده از حواشی این کتاب» (ص ۲۹)، کلیاتی در حدود چند سطر در باب امر تصحیح و نه روش‌های آن آمده است.

۱۳) در دو جا از تمهید دهم، مجموعاً چهار صفحه متن به زبان عربی و به شیوه اهل کلام و فلسفه است. مخاطب عین القضاة ظهیرالدین است که عین القضاة او را، در پایان این بخش، چنین توصیف می‌کند: «تو را ظهیرالدین خوانند و عالم خوانند و خواجه خوانند و مفتی خوانند». (ص ۳۹)

۱۴) خط ترقین خطی است که برای ابطال روی کلمه یا جمله‌ای در متن نسخه، به‌خصوص در نسخه‌های اصلی و مسوده کشیده می‌شود. (← مایل هروی، ص ۴۷، ۴۲۴ یادداشت ۲)

۱۵) رسم تقسیم نسخه‌ها به خویشاوند و غیرخویشاوند، متأخر و مربوط به روش‌های جدید تصحیح انتقادی است و توقع نمی‌رود که مقابله‌کنندگان نسخه در چندصد سال پیش این روش را به کار برده باشند؛ از این رو، گاه دیده می‌شود که نسخه‌ای با نسخه‌ای غیرخویشاوند مقابله شده و مقابله‌کننده نه بر «عبارات نادرست» که بر «عبارات متفاوت» خط ترقین (بطلان) کشیده است؛ به عبارت دیگر، نسخه‌ای را که به فرض در گروه A جای می‌گرفته، با این تصرف به گروه B انتقال داده است. در تصحیح، به تصرفاتی از این دست نباید توجه شود. از این جهت، تعیین نسخه‌های خویشاوند ضروری است.

۱۶) ص ۸۰ پاراگراف ۱۱۳.

- ۱۷) عَسِيرَان در پانوشت ضبط نسخه اساس (M) را به اشتباه صيغۀ منفی نقل کرده است.
- ۱۸) عَسِيرَان عبارت این دو نسخه را همراه با نسخه S در پانوشت به خطا «دادن بودمی» آورده است.
- ۱۹) درباره این نوع از فعل «لازار، ص ۳۳؛ نیکلسون، ص «کا-کب»؛ دارک، ص ۳۶۰-۳۶۱؛ بهار، ج ۱، ص ۳۴۹؛ ریاحی، ص «سی و سه»؛ صادقی، ص ۳۶ پانوشت.
- ۲۰) در متن به خطا «الحق» آمده است.
- ۲۱) از جمله آنهاست: «لَعْمُرُكَّ وَالصُّحَى وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى». که لعمرک جزو آیه نیست و باید خارج از گیومه قرار گیرد.
- ۲۲) اختصار از جانب ما و از راست به چپ به ترتیب قدمت نسخه است. نسخه K به کتابخانه ملّت گنل استانبول تعلق دارد.

منابع

قرآن کریم

- ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۹ ش.
- امین احمد رازی، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادبیه، تهران بی تا.
- بهار (ملک الشعرا)، محمدتقی، سبک شناسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹ ش.
- بحرالفوائد، به کوشش محمدتقی دانش پزوه، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، تهران ۱۳۴۵ ش.
- بیغمی، محمد، دارابنامه، به کوشش ذبیح الله صفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۱ ش.
- حسن بن علی قمی، ترجمه تاریخ قم (تألیف حسن بن محمد قمی)، به کوشش جلال الدین تهرانی، مطبوعه مجلس، ۱۳۱۳ ش.
- حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۶ ش.
- دارک، هیوبرت، «ضمائم» سیرالملوک خواجه نظام الملک، به کوشش همو، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۷ ش.
- رواقی، علی، «ساختمانی از فعل ماضی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۶، ش ۴، ۱۳۴۸/۱۹۶۹، ص ۳۸۱-۳۹۳.
- روزبهان بقلی، عیبه العاشقین، به کوشش هنری کرین و محمد معین، انجمن ایران شناسی فرانسه، تهران ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۱ م.
- ریاحی، محمد امین، مقدمه مفتاح المعاملات، محمد بن ایوب طبری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹ ش.
- صادقی، علی اشرف، تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران ۱۳۵۷ ش.
- عَسِيرَان، عقیف، مقدمه تمهیدات... (← عین القضاة همدانی ۱).
- عطار نیشابوری، فریدالدین، مصیبت نامه، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، تهران ۱۳۸۶ ش.
- عین القضاة همدانی (۱)، تمهیدات، به کوشش عقیف عَسِيرَان، انتشارات منوچهری، تهران بی تا.

- _____ (۲)، تمهیدات، نسخه ۶۹۷ق، کتابخانه مغنيساگنل، مغنيسا، شم ۱۰۸۶.
- _____ (۳)، تمهیدات، نسخه ۷۳۲ق، کتابخانه شهيد علي پاشا، استانبول، شم ۲۷۰۳.
- _____ (۴)، تمهیدات، نسخه ۷۹۶ کتابخانه ملی پاریس، پاریس، شم ۳۶.
- _____ (۵)، تمهیدات، نسخه قرن ۸، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، شم ۹۹۲۶.
- _____ (۶)، تمهیدات، نسخه ۸۶۷ق، کتابخانه ایاصوفیه، استانبول، شم ۱۸۴۲.
- _____ (۷)، تمهیدات، نسخه ۸۷۴ق، کتابخانه دانشگاه تهران، تهران، شم ۱۲۳۷.
- _____ (۸)، تمهیدات، نسخه ۸۷۷ق، کتابخانه ملی پاریس، پاریس، شم ۱۳۵۶.
- _____ (۹)، تمهیدات، نسخه ۸۸۴ق، کتابخانه سن پترزبورگ محفوظ در کتابخانه ملی، تهران، شم ۲۵۵۱۹.
- _____ (۱۰)، تمهیدات، نسخه ۸۹۴ق، کتابخانه مزار مولانا، قونیه، شم ۱۶۹۱.
- _____ (۱۱)، تمهیدات، نسخه ۹۳۱ق، کتابخانه ملی، تهران، شم ۱۸۷۳.
- _____ (۱۲)، تمهیدات، نسخه ۹۶۸ق، کتابخانه دانشگاه اکسفورد محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، شم ۳.
- _____ (۱۳)، تمهیدات، نسخه قرن ۱۰، کتابخانه ملت گنل، استانبول، شم ۵۱.
- _____ (۱۴)، تمهیدات، قرن ۱۰ ق، کتابخانه مزار مولانا، قونیه، شم ۱۶۹۳.
- _____ (۱۵)، دفاعیات (ترجمه رساله شکوی الغریب)، ترجمه و به کوشش قاسم انصاری، کتابخانه منوچهری، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- _____ (۱۶)، زبدة الحقائق، به تصحیح عقیف عسبران، ترجمه مهدی تدین (همراه با متن عربی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۹ ش.
- فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، به کوشش مصطفی درایتی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۸۹ ش.
- گازرگاهی، امیرکمال‌الدین حسین، مجالس العشاق، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران ۱۳۷۵ ش.
- مایل هروی، نجیب، خاصیت آینگی، نشر نی، تهران ۱۳۸۹ ش.
- مختصرنافع (محقق حلی)، ترجمه فارسی (مترجم: ناشناس)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۳ ش.
- منزوی، علینقی، نامه‌های عین القضاة همدانی، اساطیر، تهران ۱۳۸۷ ش.
- النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی (تألیف شیخ طوسی)، ترجمه فارسی (مترجم: ناشناس)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۲ ش.
- نیکلسون، رنولد. آلن، مقدمه تذکرة الأولیاء عطار، به کوشش همو، لیدن، بریل ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۵ م.